



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۱/۱۴

جلیل غنی هروی

معرفی بزرگان افتخار آفرین ما

با تقدیر و تمجید از جناب بصیر صباح که مقاله تحقیق تحت عنوان (چهره های تاریخی، ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی) را به سلسله معرفی شخصیت های نادر و اثر گذار و افتخارات تاریخی افغانستان نگاشته اند و در یازدهم جنوری ۲۰۱۷ در وب سایت وزین آریانا افغانستان به نشر رسید، امید است این سلسله همچنان دوام یابد تا نسل امروز ما با افتخارات و شخصیت های و دانشمندان و نویسندگان تاریخ پُر بهای وطن و منطقه آشنائی بیشتر بیابند. در سطور اول این مقاله تحقیقی عالی می خوانیم:

«بیهقی در سال ۳۸۵ ه. ق در ده حارث آباد بیهق (سبزواری قدیم) به دنیا آمد. نامش را ابوالفضل محمد نهادند. پدرش او را در سالهای اول زندگی در بیهق و سپس، در شهر نیشابور به کسب دانش گماشت. ابوالفضل که از هوش ویژه ای برخوردار بود و به کار نویسندگی عشق می ورزید، در جوانی از نیشابور به غزنین رفته (حدود ۴۱۲ ه.ق)، جذب کار دیوانی گردید و با شایستگی و استعدادی که داشت به زودی به دستگیری خواجه ابونصر مشکان بر گزیده شد» از این تحقیق بی می آید که «بیهق» یا سبزه وار منطقه و محلی است که بعد ها بنام «شیندند» نامگذاری شده است و عین نام در آنطرف خط سرحدی با ایران نیز وجود دارد که ایرانیان آنرا با همان نام تاریخی آن حفظ کرده اند. تغییر این نام و نامهای تاریخی دیگر مربوط خطه ما توسط دولت افغانستان وقت به هر اسم و رسم و دلیلی که داشته و آن هم قابل تحقیق و نقد است، باعث آن گردیده که این نویسنده توانا، مؤرخ، واقعه نگار و ادیب فرزانه را هم ایرانیان مثل سایر افتخارات مربوط به افغانستان از آن خود دانند همانطوری که مولانای بلخ، ابن سینای بلخی، سید جمال الدین افغانی و سایر شخصیت های علمی و فرهنگی و دانشمندان را به خود اختصاص داده اند. چنانچه سعید نفیسی نویسنده، مؤرخ و ادیب و حقوق دان و یکی از پُر کار ترین دانشمندان ایران که نسخه «تاریخ بیهقی» تألیف ابوالفضل بن حسین کاتب بیهقی» که در سال ۱۳۹۰ هجری شمسی در کابل به زیور چاپ آراسته شده، هم از روی نسخه طبع گردیده که این محقق ایرانی آنرا تهیه کرده بود و در تهران در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۷ قمری چاپ شده بود. آقای نفیسی که زمانی به حیث استاد در پوهنتون/ دانشگاه کابل هم تدریس میکرده در مقدمه این اثر می نگارد: «یگانه کتابیست که جزئیات زندگی شبانروزی و کردار و گفتار مردم ایران را در زمان های قدیم در بر دارد و هیچ کتاب دیگری نیست که در تاریخ یکی از ادوار گذشته ایران به این دقت و تفصیل نوشته شده باشد.....داستانها و حکایت ها و اشعار بسیار از دوره های پیش از غزنویان در بر دارد که برای ادبیات و تأریخ ایران بسیار سودمند است.»

تاریخ بیهقی همانطوری که همه میدانند در دربار سلطان محمود غزنوی و خانواده او بیش از نهصد سال قبل در غزنی نگاشته شده که در آن زمان ایرانی وجود نداشت و تمام این منطقه بنام خراسان یاد می شد که افغانستان امروزی هم قسمت اعظم خراسان شرقی را تشکیل میداد و اگر بیهقی زندگی مردمی را تشریح و خصوصیات آن زمان را نگاشته است باید خصوصیات و پیشرفت ها و وقایع و زندگی شبانروزی مردم این منطقه بوده باشد نه از آنچه که امروز آنرا ایران می خوانند از عمر ایران امروزی هفتاد و پنج سال می گذرد و قبل بر آن به نام فارس و یا پارس یاد می شد. تاریخ بیهقی که به نام او نهاد نشراتی هم در افغانستان تحت نام مؤسسه بیهقی در چار چوب وزارت اطلاعات و فرهنگ در کابل وجود دارد آقای سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات وقت در مقدمه چاپ این اثر حتی نامی هم از مربوط بودن ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی به دربار غزنی در افغانستان نمی برد.

آقای نفیسی می نویسد که تاریخ بیهقی را که در سال ۱۸۶۲ میلادی در کلکته هند چاپ شده بود و بار دیگر در ۱۳۰۵-۱۳۰۷ هجری قمری در تهران چاپ شد با هم مقابله کرده و چنین نتیجه گرفته است: «در نتیجه دقت بسیار و مقابله حرف به حرف این دو چاپ بر من مسلم شد که چاپ کلکته به مراتب معتبر تر و درست تر از چاپ تهران است، زیرا دو خاور شناسی که آنرا به عهده گرفته اند امانت به خرج داده و نسخه را که داشته اند بی آنکه تصرفی در آن روا بدارند عیناً نقل کرده اند ولی در چاپ تهران گویا تصرفات بسیار کرده اند»

از این گفته ای جناب سعید نفیسی بر می آید که ایرانی ها مثل همیشه حقایق را تحریف و سعی کرده باشند که همه این اثر گرانبهای بیهقی را هم تغییر داده و مطابق به ذوق و سلیقه شئون طلبانه و انحصاری خود در آورده باشند. استاد سعید نفیسی می نگارد: «بیهقی در زندگی خود فراز و نشیب های بسیار دیده بود، زمان را برای گردآوری و تنظیم یادداشتهای خود مناسب یافته و از سال ۴۴۸ ه. ق به تألیف تاریخ پرارزش خود پرداخت و در سال ۴۵۱ این کار را به انجام رساند».

بیهقی هشتاد و پنج سال زیسته و به گفته ابوالحسن بیهقی در «تاریخ بیهقی» به سال ۴۷۰ ه. ق در گذشته است. اما در هیچ جای مقاله آقای صباح و مقدمه این اثر چاپ کابل دیده نمی شود که در کجا وفات یافته و در چه محلی دفن گردیده باشد. نه جناب صباح و نهم وزارت اطلاعات فرهنگ درین زمینه اشارتی دارند ولی در جای دیگری غیر از مقاله جناب صباح و تاریخ بیهقی چاپ کابل گفته شده که در غزنی وفات یافته است.

این که چرا این مقاله و مقدمه سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ وقت اشاره به محفل وفات و دفن او برای خوانندگان این اثر گرانبها ندارند، دلیلش را خود شان می دانند.

این که «ده حارث و بیهقی در سرحد بخشی های امروزی ناشی از خط کشی های سرحدی قرن نهم توسط هیاتهای انگلیس و روس آن زمان بدون حضور نمایندگان پارس و امیر نشین افغانستان در چه موقعیتی قرار دارد هم قابل تحقیق و تدقیق است ولی بیهقی بعد از کسب تحصیلات ابتدائی در بیهقی به نیشاپور رفت و در جوانی به دربار سلطان محمود غزنوی پیوست و بقیه عمر خود را در غزنی سپری کرد.

جای دارد که از جناب بصیر صباح که در معرفی چهره های تاریخی و دانشمندان افغانستان همت گماشته اند تمجید نمود که دریچه ای را برای بحث های تاریخی و روشنگری نسل نو و آینده به روی محققین و مؤرخین گشوده اند. قلم تان مثل همیشه توانا باد

پایان